قدس
رواق
ویژه‌فرهنگ و معارف رضوی
| سال دوم | ویژه نامه ۵۰۱ |

تفسیر / آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی
بشارت‌های قرآن به وجود اقدس امام زمان(عج)
۲

نویسنده کتاب «بیت‌الاحزان؛ حقیقت انکارناپذیر» در گفت‌وگو با قدس مطرح کرد
حضرت فاطمه زهرا(س) آغازگر گریه سیاسی
۲

از تحریف تا تخریب؛ بلایی که وهابیت بر سر «بیت‌الاحزان» آورد
۳

«بیت‌الاحزان» به روایت سفرنامه‌نویسان
۲

تولیت آستان قدس رضوی در جلسه هیئت امنای دانشگاه علوم اسلامی رضوی به مناسبت روز دانشجو:

پیشرفت‌های علمی و دانش سیاسی جامعه دانشگاهی دشمن را خشمگین کرده است

۴

عکس رضوی

۴۲ زندانی جرایم غیرعمد با مشارکت بنیاد کرامت رضوی و خیران آزاد شدند

رهایی به برکت نام امام رضا(ع)

به همت بنیاد کرامت رضوی ۴۲ زندانی جرایم غیرعمد در استان فارس به آغوش خانواده بازگشتند. مدیر عامل بنیاد کرامت رضوی در گفت‌وگو با خبرنگار آستان‌نیوز با اعلام این خبر گفت: این اقدام خداپسندانه در پی تأکیدات تولیت آستان قدس رضوی در قالب پویش نذر امام(ع) برای آزادی زندانیان معسر انجام شد و ۴۲ زندانی زن و مرد در استان فارس با مشارکت آستان قدس رضوی، خیران و ستاد دیه کشور به کانون گرم خانواده ...

۴

برداشت‌هایی از یک سند ۳۴۶ ساله در آستان قدس رضوی

«وقف خیابان» سنت فراموش شده

محمدحسین نیکبخت| ما عادت کرده‌ایم کارایی وقف را دست‌کم بگیریم و آن را به برخی فعالیت‌های خاص مانند امور مذهبی، رسیدگی به معیشت محرومان، تأسیس مدارس علمیه، مسجد و مانند این‌ها محدود کنیم. شاید باور عمومی این باشد که کسب ثواب این سنت حسنه، تنها از طریق توجه به این امور ممکن است؛ در حالی که این باور اصلاً باور درستی نیست و وقف، تنها به این فعالیت‌ها محدود نمی‌شود. خوشبختانه در تاریخ کشور ما، نمونه‌های متعدد و قابل ارائه‌ای از سنت وقف وجود دارد که نشان می‌دهد پیشینیان ما، با امید قبول پروردگار و کسب رحمت الهی، اصل موقوفه یا بخشی از درآمد حاصل از آن را به امری اختصاص می‌دادند که باری از روی دوش مردم بردارند یا برای آن‌ها آسایش، راحتی و حتی شادی ایجاد کنند. کافی است سری به اطراف شهر مشهد بزنید؛ در جاده‌های کوهستانی به تفرج بپردازید تا ببینید گذشتگان ما حتی با وقف یک درخت توت برای استفاده عموم، در پی گسترش و استفاده از سنت بهینه وقف در امور گوناگون بوده‌اند. یادمان باشد انحصار موضوع وقف می‌تواند دست و پای کسانی را که مایل به ورود در این امر خیر هستند، ببندد و حتی گاهی، مانع از به کارگیری سرمایه‌های خرد در این مسیر شود. بگذریم؛ امروز می‌خواهم برایتان از یک موضوع متفاوت در حوزه وقف صحبت کنم، موضوعی که شاید تا به حال کمتر آن را شنیده‌اید، اما پدران ما به خوبی نیاز به آن را درک کرده و در انجامش کوشیده‌اند.

■ **ورود وقف برای حل یک مشکل عمومی**

مشهد شهری است که ساخت و شکل‌گیری آن، منظم نبوده. به تدریج خانه‌هایی اطراف مرقد مطهر امام رضا(ع) ساختند و مجموعه‌های مسکونی که هسته‌های اولیه شکل‌گیری مشهد بود، در این مکان ایجاد شد. تعیین مَمَرهای شهری یا همان کوچه و خیابان‌ها، در چنین وضعیتی، از سبک و سیاقی خاص پیروی نمی‌کرد؛ در واقع گسترش خانه و افزایش کمی و کیفی آن بر توجه به گذر و کوچه غلبه داشت. به دیگر سخن، این خانه‌ها و شکل آن‌ها بود که اسباب پیدایش کوچه‌ها را فراهم و آن‌ها را مبدل به گذر عام می‌کرد. این مسئله شاید در ابتدای کار دردسری به وجود نمی‌آورد؛ به هر حال، جمعیت کم و مساحت شهر محدود بود و همان کوچه‌های باریک به نیازهای مردم پاسخ می‌داد. به خصوص مشهد چون تا دوره شاه تهماسب یکم صفوی، باروی درست و حسابی نداشت، این کوچه‌ها در عملیات دفاع از شهر بسیار کارآمد بودند اما وقتی مشهدِ عصر صفوی توسعه یافت، به تدریج کوچه‌های باریک و پیچ در پیچ، دردسرآفرین شدند؛ حالا دیگر مشهد نیاز به مَمَرهای عریض و کوچه‌هایی داشت که با حجم عبور و مرور، همخوانی داشته باشند. درست از این زمان بود که در مشهد مانند خیلی دیگر از شهرهای ایران، سنت وقف به یاری شهرسازی آمد و وقفِ مَمَر و خیابان عمومیت یافت. واقفانی که منزل یا زمینی در شهر داشتند که می‌شد با وقف عام آن، مسیر عبور مردم را کوتاه یا تسهیل کرد، دست به کار شدند و با وقف این املاک به عنوان «مَمَر عام»، «گذر عام» و حتی وقف «حق ارتفاق» (اجازه رسمی و مستند عبور از ملک یک فرد) پای کار این اقدام خیرخواهانه آمدند. شاید مشهورترین نمونه در این زمینه، همین خیابان مشهور و قدیمی مشهد باشد که در دوره شاه‌عباس یکم صفوی، با خرید خانه‌های مسیر آن و اختصاص دادن آن‌ها برای ایجاد مسیر عمومی، ساخته شد؛ هر چند فعلاً مستندی در اختیار نداریم که این اقدام با نیت وقف انجام شده باشد. در سندهای متنوع مرکز اسناد آستان قدس رضوی، می‌شود عنوان «مَمَر عام» یا «گذر عام» را به وفور مشاهده کرد. به نظر می‌رسد، دلیل کمرنگ شدن توجه به این موضوع مهم در دوره‌های بعد و به ویژه روزگار ما، اولاً بالا رفتن کیفیت شهرسازی و بهینه شدن گذرها و خیابان‌های شهر و ثانیاً بالا رفتن قیمت زمین باشد.

■ **یک نمونه مستند**

برای آنکه نمونه‌ای از سندهایی را که عرض کردم، خدمتتان ارائه کنم، سندی مربوط به اردیبهشت سال ۱۰۵۵ خورشیدی را با هم مرور خواهیم کرد؛ سندی که در آن، به نام «مَمَر عام وقفی حاجی علی‌نقی محمد صدیقی» در کوچه محتسب (پایین‌خیابان) اشاره شده است: «خان (کاروانسرا) واقع در کوچه محتسب که محدود است به مدرسه غفران‌پناه میرزا جعفر مشهدی و به ملک ورثه میرکتابدار و ملک فاطمه‌خانم و به ممر عام وقفی حاجی علی‌نقی محمد صدیقی با یک در (منظور باب است، واحد شمارش منزل و مغازه) خانه واقع در محله گود حسام‌الدین که وقف سرکار (امام رضا علیه‌السلام) نموده از قرار وقف‌نامچه به تاریخ ۷ شهر (ماه) صفر سنه (سال) ۱۰۸۷ (دوم اردیبهشت ۱۰۵۵)».

منبرمجازی

محبت را منتشر کنید

حجت‌الاسلام شریفیان| در روایت «کثیره بن علقمه» که روایت خیلی معروفی هم هست ... وی می‌گوید من خدمت امام صادق(ع) رفتم و گفتم وصیت‌هایی به من بکنید. حضرت فرمودند: تقوا و ورع ، طول سجود، ادای امانت و صدق الحدیث و حسن الجوار... ببینید در این سفارش هم بحث ارتباط با خدای متعال هست و هم بحث روابط اجتماعی. حضرت در باب آداب اجتماعی به او می‌گویند که «اداء الامانه و صدق الحدیث» ... تأکید در روایت‌های ما روی دو مورد خیلی جدی است. راست‌گویی و امانت‌داری. خیلی در روایت‌های ما به این مورد سفارش شدیم. بعد حضرت فرمودند رسول‌الله این‌ها را برای ما آورده است... بعد می‌گویند در میان قبائل و طایفه خود اهل صله باشید. روابط را وصل کنید... صله گاهی به معنی هدیه دادن هم هست که نقطه اتصال و ارتباط ما با دیگران است... صله رحم که ما فقط خیال می‌کنیم سر زدن است، گاهی چون دو نفر نمی‌توانند به این راحتی به هم سر بزنند، یک هدیه‌ای برای هم می‌فرستند... حضرت همچنین می‌فرمایند با این ارتباطات، زینت ما شوید. فقط هم ارتباط با شیعیان نیست ...کجا زینت ما باشید؟ در جایی که کسانی به ما متصل نیستند، زینت ما باشید. آن کسانی که خودشان متصل به امام صادق(ع) هستند که هستند ولی آن کسی که نیست شما باید زینت شوید... می‌فرمایند مایه آبروریزی ما نشوید... محبت مردم را به سمت ما بیاورید... یعنی محبت ما را ایجاد کنید و در بین مردم منتشر کنید... این توصیه‌هایی که ائمه(ع) به ما کرده‌اند، فقط برای خود ما نیست... می‌گویند «حببونا الی الناس و لا تبغضونا علیم» بغض و کینه ما را میان مردم منتشر نکنید. یک کاری نکنید مردم اگر شما این هستید، لابد امام شما هم همین است. ما در روابط اجتماعی این طوری هستیم؟ در خرید خود و در بازار خود و در روابط همسایگی خود این طوری هستیم؟ جز مأموریت‌های خود می‌دانیم که در روابط همسایگی خود کسانی که با ما یک همزیستی‌هایی دارند، محبت را منتشر کنیم؟ ببینید می‌توانید محبت امام صادق(ع) را منتشر کنید. محبت امام صادق(ع) را باید منتشر کنیم. معاویه بن رهب می‌گوید خدمت امام عرض کردم شایسته است که ما با مردم چه طوری برخورد کنیم؟ بین این مردم کسانی هستند که محبت شما اهل بیت(ع) را ندارند ما باید چه کار کنیم؟ حضرت فرمودند: نگاه کنید ببینید امامتان چه کار می‌کند، همان کاری را بکنید که ما اهل بیت(ع) می‌کنیم. ما به دیدن مریض می‌رویم، در تشییع جنازه‌شان شرکت می‌کنیم... در قبال آن‌ها امانت داریم و... .

فاطمیه

اعلام برنامه‌های سالروز شهادت حضرت زهرا(س)

همزمان با سالروز شهادت حضرت زهرا(س)، اجتماع بزرگ سوگواران فاطمی صبح امروز، ۱۷ آذر ماه با حضور جمع زیادی از بانوان در حرم مطهر رضوی برگزار می‌شود.

همچنین از سوی معاونت تبلیغات اسلامی آستان قدس رضوی، ویژه برنامه‌های عزاداری در حرم مطهر حضرت رضا(ع) اعلام شد؛ بر این اساس، از شب گذشته زائران و مجاوران رضوی پس از اقامه نماز مغرب و عشا در رواق امام خمینی(ره)، مخاطب ویژه‌برنامه‌های سوگواری بودند.

امروز نیز برنامه محوری حرم مطهر رضوی، برپایی اجتماع بزرگ بانوان فاطمی خواهد بود که از ساعت ۹ صبح با قرائت قرآن در رواق امام خمینی(ره) آغاز می‌شود و با شعرخوانی آیینی، سخنرانی حجج اسلام علی اکبری و عبدوس و مداحی ذاکران اهل بیت(ع) ادامه می‌یابد.

امشب هم ویژه‌برنامه شام شهادت حضرت فاطمه زهرا(س) در حرم مطهر رضوی پس از نماز مغرب و عشا با قرائت زیارت امین‌الله توسط علی برادران آغاز خواهد شد.

سخنران این مراسم آیت‌الله صدیقی، امام جمعه موقت تهران خواهد بود و قرائت دعای کمیل و مرثیه‌سرایی توسط سیدمهدی میرداماد و شعرخوانی سید روح‌الله مؤید از دیگر برنامه‌های شام شهادت بانوی دو عالم در حرم مطهر رضوی است.

نیمکت زندگی

بازار زندگی

رقیه توسلی| قدم می‌زنم توی بازار و یک دل سیر تماشا می‌کنم. از شیر مرغ پیدا می‌شود تا غول چراغ جادو. شوخی نمی‌کنم. آقای عسل‌فروش می‌گوید؛ عسل نگو، بگو غول چراغ جادو!

جلو بساط پرتقال‌فروشی می‌ایستم. پرتقال‌ها داد می‌زنند تازه چین‌اند. معطل می‌کنم صاحب بار مرا ببیند چون با همسایه پارچه‌فروشش گرم صحبت است. اما متوجه‌ام نمی‌شود. خانم پارچه‌فروش با جوش و خروش می‌گوید: «صاحبکار نامردش برگشته به فرهادجانم میگه فکر می‌کردم شما فهمیده و تحصیلکرده‌ای، نه معتادِ سابقه‌دار. هر چی براش توضیح داد به خدا این قصه مال پنج سال پیشه، من طرف سیگار هم نرفتم دیگه، تازه از من سفته امضا شده هم که داری، به گوشش نرفت که نرفت. اول گفت الّاوبلّا اخراج، بعد رفت آبروی بچه‌رو تو راسته بُرد... آدم ناحسابی! داشت زیردستت کار می‌کرد. راضی بودی ازش. خطایی نکرد. منم بگذرم اون بالاسری نمی‌گذره...» و گریه می‌کند. قیمت می‌گیرم و نمی‌خرم. دل و دماغ نمی‌ماند برایم. مطمئنم اگر «خانجان» بود مثل من صم‌بکم نمی‌ایستاد گوشه‌ای. می‌رفت پیش مادر فرهاد و با لبخند می‌گفت: گریه نکن عزیزم! مادرا، کوه دماوندن؛ سرسخت و بردبار.

هنوز ایستاده‌ام که مشتری می‌آید و قیمت پارچه گلداری را می‌پرسد. پارچه‌ها که جابه‌جا می‌شوند یک آن چشمم می‌افتد به طاقه‌ای سیاه که مانده آن زیر. طرحی شبیه کهکشان دارد و رنگی سوای باقی رنگ‌ها. سیاه سیاه. به سیاهی شب. سر بلند می‌کنم سمت آسمان و به خدا چشمک می‌زنم و می‌خندم. می‌بینم خوب و بد درهم است. سفید و سیاه. روزم قشنگ می‌شود. عطر خوش سبزی و ترشی و زیتون، بوی کیک، انار چهار قاچ و خرمالو همه جا می‌پیچد. جای صاحبکار بی‌انصاف فرهاد، یاد کارخانه‌داری می‌افتم که فقط افراد سوء سابقه‌دار را استخدام می‌کند. یاد همه خوبانی که سبب می‌شوند دنیا جای بهتری برای ماندن باشد.

پی‌نوشت

علی(ع): کسی که از مردم عیب‌جویی می‌کند، باید از خودش آغاز کند.

نازه‌های نشر

نقد دیدگاه محمد عابد الجابری در «عقلانیت شیعی»

کتاب «عقلانیت شیعی» نوشته محسن دریابیگی توسط شرکت چاپ و نشر بین‌الملل منتشر و روانه بازار نشر شد. به گزارش خبرگزاری مهر، «عقلانیت شیعی، نقد تلقی گنوسی از شیعه در نگاه محمد عابد جابری» نوشته محسن دریابیگی، به‌تازگی توسط شرکت چاپ و نشر بین‌الملل منتشر و راهی بازار نشر شده است.

شناخت نویسنده از محمد عابد الجابری به سال ۱۳۸۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در رشته فلسفه را به یکی از متفکران عرب اختصاص داده بود. تا از این پنجره با حوزه اندیشه جهان عرب آشنا شود. در بین آثار جابری پروژه نقد عقل عربی محصول تفکرات او بود. این پروژه که در چهار جلد منتشر شده بود (دو جلد اول عقلانیت عربی و جلد سوم و چهارم نقد عقل سیاسی و نقد عقل اخلاقی بود) میوه نگاه جابری به سنت و تجدد و روش تعامل این دو برای زندگی در امروز بود. همچنین جابری در کتاب‌های «نحن والتراث» و «التراث والحداثة» نگرش خود به مسئله سنت و تجدد و نحوه تعامل صحیح بین آن دو را بیان کرده است.

شیوه جابری در مقوله‌بندی اندیشه جهان عرب به روش ساختارگرایان است. وی علوم نظری جهان اسلام را به برهانی، عرفانی و بیانی فصل‌بندی می‌کند و با زوج‌های ساختاری محورهای هر یک از این سه گونه اندیشه را می‌شمرد. این تقسیم‌بندی صرفاً توصیفی نیست؛ او اندیشه عرفانی را عقلی منحرف می‌خواند که جهان اندیشه اسلامی را از مسیر مستقیم دور کرده است. آن قدر که او به اندیشه عرفانی می‌تازد به علوم بیانی نمی‌تازد. در چارچوب فکری وی علوم بیانی بیشتر بر عقل اهل سنت سایه افکنده و اندیشه عرفانی بر عقل شیعیان. نویسنده اما معتقد است صراط مستقیم و امت وسط، اهل بیت عصمت و طهارت(ع) هستند که شیعیان به راهبری آنان از هر افراط و تفریطی به دورند. قدم صدق و مشی معتدل در بهره‌مندی از ظاهر و باطن، عقل و شهود ویژگی بارز این مدرسه است. برجسب‌های ناروا برخاسته از نداشتن درک درست از این اندیشه متوازن است. از نظر دریابیگی، محمد عابد الجابری از زمره متفکرانی است که از دلالت‌های عقلی مدرسه امامیه غفلت کرده و این اندیشه جامع را به مدرسه عرفانی تقلیل داده است.

درادس سماوی، استاد دانشگاه کلرادوی آمریکا نیز معتقد است شیعه یک وضعیت نیست که بتوان یک‌بار، بر آن دست یافت بلکه فرایندی است که با مرور زمان و مطالعه و افزایش معرفت قابل دسترسی است.

دریابیگی می‌گوید: «اساساً صراع و تقابل من با جابری برای دور یافتن اندیشه خودم بود؛ اگر انسان با یک پهلوان کشتی بگیرد حتی اگر نتواند او را آن‌طور که سزاوار او است مغلوب کند، خودش تقویت می‌شود. من از این بابت خشنودم».

کتاب «عقلانیت شیعی» حاوی سه فصل است: «جابری و تشیع»، «نقد آرا و اندیشه‌های جابری» و «نتیجه‌گیری». همچنین مؤلف در پیوست کتاب، «سال‌شمار و فهرست آثار جابری» را آورده است. کتاب «روش مواجهه با دشواره سنت در اندیشه جابری» نیز در سال ۹۶ با تألیف همین مؤلف توسط انتشارات سوره مهر به چاپ رسید.

تفسیر

آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی

بشارت‌های قرآن به وجود اقدس امام‌زمان(عج)

بخش بیست و سوم

موضوع سخن در این نوشتار، شرح و تبیین آیات مهدوی قرآن کریم بود. در دو نوبت قبل، به نقل روایاتی پرداختیم که بیانگر ارتباط آیه ۱۵۵ سوره بقره با وجود اقدس امام‌زمان(عج) است. گذشت، صبوری و مقاومت اهل ایمان در مواجهه با مواجهه‌های الهی مذکور در آیه یعنی ترس از سلاطین جور، گرسنگی در نتیجه گرانی قیمت اجناس، کمبود ثروت‌ها، مرگ‌های زودرس و کم شدن میوه‌ها و محصولات کشاورزی که به رشد یافتن مؤمنان می‌انجامد زمینه‌ساز تحقق قیام جهانی حضرت حجت بن الحسن(عج) است. به عبارت دیگر، مواجهه مؤمنان با عرصه‌های امتحان در هنگامه نزدیک ظهور، برای رشد یافتن ایشان و آماده کردن زمینه‌های ظهور حضرت است که همانا با صبر و مقاومت در برابر ابتلائات تحقق می‌یابد.

در این نوبت در مقام تحلیل و تبیین هر چه روشن‌تر این مصائب، سازش با عناصر پیش‌گفته و وابستگی به ایشان است. در این میان مقاومت و صبوری اهل ایمان در تحمل فشارها و مشکلات، با عدم وابستگی به دشمنان خدا موجبات برچیده شدن جبهه استکبار و فراهم آمدن مقدمات تحقق دولت حقه الهی را فراهم می‌کند.

بنابراین مطابق گفته پیغمبر اکرم(ص) باید وحدت حول محور ثقلین شکل بگیرد. مرحوم امام خمینی(ره) هم در وصیت‌نامه خود دست روی این روایت می‌گذارند چرا که برای همه امت اسلام قابل استناد است.

■ به طور کلی چرا بیت‌الاحزان شکل می‌گیرد و تاریخ چه کنش‌هایی را در خصوص مجاهدت حضرت در راه دفاع از ولایت امیرالمؤمنین(ع) روایت کرده است؟

در پاسخ به بخش نخست پرسش، یکی از راه‌های مبارزه با انحرافی که در حال پایه‌ریزی در ماجراهای پس از رحلت رسول خدا(ص) بود، همین جریان بیت‌الاحزان بود. تفاوتش نیز این است که یک نمود پس از رحلت رسول خدا(ص) بود، همین جریان خارجی دارد و مردم می‌دانند حضرت زهرا(س) از خانه خودش بیرون می‌آید و به بقیع رفته و در آنجا شروع به گریه و عزاداری می‌کند. این تفاوت دارد با اینکه ایشان بخواهند در خانه بنشینند و با گریه مبارزه کنند.

در مورد قسمت دوم پرسش هم اگر بخواهیم اجمالاً اشاره کنیم، ماجرای «استنصار» و نصرت‌طلبی با مراجعه به در خانه انصار و مهاجرین، خواندن خطبه معروف به خطبه «فدکیه»، یادآوری غدیر در موقعیت‌های مختلف و گریه‌های حضرت در ماجرای بیت‌الاحزان است.

یک شبهه هم که در خصوص بیت‌الاحزان و ماجرای گریه‌های حضرت زهرا(س) هم در آن قابل صوتی و هم بین عوام وجود دارد این است مگر حضرت چطور گریه می‌کرده که موجب اعتراض مردم مدینه شده و آیا مگر این حق‌الناس نیست؟ حتی در آن فایل صوتی ادعا می‌شود فقط علامه مجلسی به این گریه‌ها اشاره کرده، در حالی که شیخ صدوق در دو کتاب خود، گفته مردم مدینه به امیرالمؤمنین(ع) اعتراض کردند به همسرش فاطمه بگوید یا روز گریه کند یا شب. من اینجا اشاره کنم این اذیت، اذیت از صدای گریه نیست...

■ در مقدمه کتاب به رابطه این بحث با وحدت اسلامی و تقریب مذاهب اشاره کرده بودید. مطرح کردن این بحث‌ها چطور باید باشد که با بحث وحدت منافات نداشته باشد؟

خوب است ببینیم منظور طلایه‌داران بحث وحدت اسلامی از مرحوم آیت‌الله بروجردی گرفته تا شیخ محمد حسین کاشف الغطا و امروز رهبر معظم انقلاب از وحدت چیست. آیا منظور این است میمزه‌های خاص مذاهب کنار برود و همه یک مذهب واحد شویم؟ قطعاً این نیست و هر کسی می‌تواند شاخصه‌های مذهب خودش را حفظ کند. حرف این است که در برابر دشمن واحد، باید صف واحد تشکیل داد و امت اسلام در برابر کفر باید صف واحد داشته باشد و اصلاً وحدت به این معنا نیست که حقایق کتمان شود. یکی از نکاتی که در زمزمینه بحث وحدت و بیان حقایق تاریخی در این کتاب عرض کردم، استشهاد به آیه ۷۱ سوره آل عمران خطاب به مردم اهل کتاب است که چرا حقایق را کتمان می‌کنید. بنابراین بیان نکردن حقایق، کار درستی نیست و از آن طرف نیز بیان حقایق باید بدون توهین و ایجاد تنش وجود داشته باشد.

یک نکته دیگر هم در این خصوص اینکه اگر وحدت بخواهد به شکل درستش شکل بگیرد، باید حول محور حق باشد. اینجا با حدیث متواتر ثقلین که شیعه و سنی به تواتر آن را نقل کرده‌اند، همه امت اسلام را به وحدت حول این روایت دعوت کرده‌ایم. بنابراین بحث فضیلت‌محور که از ایشان دیدم، بسیار مهم است. اینکه ما بگوییم ما چه کار می‌کنیم از یک سو خاصیت نوع بشر این گونه است که در مواجهه با ابتلائات و سختی‌ها درصدد رفع مشکل برمی‌آید. از سوی دیگر منشأ بسیاری از مشکلات اقتصادی انسان‌ها، توطئه‌ها و نقشه‌های شوم عناصر جبهه استکبار و عناصر ضد خدا به وجود می‌آید و مبیاری و ملاک آزمایش الهی است. امر پروردگار در آیه ۱۵۳ همین سوره که می‌فرماید: «یَاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اسْتَعِینُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَوٰةِ» نیز می‌تواند به عنوان مؤید همین تحلیل مورد توجه قرار گیرد.

برش گفت‌وگو

گرامی ترین شما نزد خداوند، کسی است که بیشتر به همسر خود احترام بگذارد.

کتابخانه

«بیت‌الاحزان» به روایت سفرنامه‌نویسان

نیکوکار | سنت سفرنامه‌نویسی از دیرباز در بین اقوام و ملل دنیا مرسوم بوده و جهانگردان و سفرنامه‌نویسان تلاش کرده‌اند با توجه به گرایش‌های فکری خود و نگرشی که داشته‌اند، تا حد امکان، آداب و رسوم مردم در شهرها و روستاهایی که از آن‌ها دیدن کرده‌اند را بازگو کنند و به تشریح و توصیف اماکن و آثار تاریخی، حوادث و رویدادهای بین راه و در مقصد بپردازند. به همین دلیل یکی از منابع مرجع در اثبات گزاره‌ها و وجود اماکن تاریخی، رجوع به سفرنامه‌هایی است که طی اعصار و قرون متمادی نوشته شده‌اند.

از ویژگی‌های خوب کتاب «بیت‌الاحزان؛ حقیقت انکارناپذیر» ارجاع به سفرنامه‌های فراوانی است که در آن‌ها سیاحان و سفرنامه‌نویسان تصریح کرده‌اند شیعیان پس از توقف در مدینه‌النبی(ص)، در خانه حضرت فاطمه زهرا(س) که به حجره شریف پیامبر(ص) متصل است، در بقیع و در کنار قبری که در ضلع جنوبی گنبد ائمه بقیع بوده و در بیت‌الاحزان، زیارت‌نامه حضرت زهرا(س) را خوانده و بر شهادت مظلومانه ایشان و در غم مصائب آن بزرگوار اشک می‌ریخته‌اند. بد نیست روایت این سفرنامه‌نویسان و مستشرقان را به نقل از این کتاب بخوانیم.

■ دو، سه ساعت عزاداری در بیت‌الاحزان

حاج سید احمد هدایتی متولد ۱۲۵۰هجری شمسی است که جدش سیدابوالحسن، داماد فتحعلی شاه قاجار و تولیت آستان حضرت عبدالعظیم(ع) بوده است. خود او نیز ابتدا در مقام نایب‌التولیه و سپس در سال ۱۲۹۸ تا پایان عمر عهده‌دار مسئولیت تولیت آستان حضرت عبدالعظیم(ع) شد. او از جمله کسانی است که در آستانه تخریب بیت‌الاحزان و پنج سال پس از این حادثه، درباره بیت‌الاحزان نوشته و در سفرنامه خود به‌نام «داستان بازیافتگان»، ماجرای زیارتش را این‌گونه روایت کرده است: «امروز جمعه هفدهم محرم مطابق دهم میزان گذشته از زیارت حضرت رسالت و ائمه بقیع علیهم‌السلام، حضرت صدیقه طاهره جده مظلومه – سلام‌الله علیها – را به زیارت کامل اختصاص دادیم؛ یعنی آن حضرت را در موارد خمسه که موافق روایات باید مدفن آن بزرگوار در یکی از آن‌ها باشد زیارت نمودیم. اول در خانه آن حضرت که داخل مسجد شده است و امروز گوشه شمالی صریح مقدس نبوی است. دوم بین صریح و محراب نبوی که بالای یک ستونی در آنجا حدیث «مَا بَینَ قَبرِی وَمِنبَرِی رَوْضَةٌ مِنْ رِیاضِ الْجَنَّة» به خط درشت نوشته شده است. سوم در صریح ائمه بقیع، چهارم در صریح عباس و فاطمه بنت اسد و پنجم در بیت‌الاحزان که در قبرستان بقیع واقع است و در موضع اخیر خیلی بر مظلومیت آن بزرگوار گریستم و مدت دو سه ساعت در آنجا به عزاداری فرزند دلبندش مشغول بودیم، طرف عصر و شب هم در مسجد مطهر نبوی به زیارت و دعا اشتغال داشتیم».

■ قبةالحزن در بقیع

سرلشکر ابراهیم رفعت پاشا، فردی دانشمند و شجاع که سه سال سمت امیرالحاج مصر را برعهده داشت، کتاب «مرآةالحرمین» که شرح مسافرت‌های او به حج در همین سال‌هاست را در زمان حیاتش یعنی سال ۱۳۴۴ هجری قمری در قاهره به چاپ رساند. وی جزئیات مسیر کاروان‌های حج و شهر مکه و وصف ویژگی‌های مسجدالحرام و کعبه را آورده و اندازه‌گیری‌های جای جای این مسجد، شماره و مشخصات ستون‌ها و ابواب بیت‌الحرام را به دقت ثبت کرده است. رفعت پاشا خصوصیات دقیقی از شهر مدینه و حرم شریف نبوی و چگونگی وضع فرهنگی و دیگر خصوصیات مردم این دیار را با جزئیات دقیق و تفصیل فراوان بیان کرده است. این کتاب همواره در طول نزدیک به یک قرن گذشته مورد بهره‌برداری مؤلفان و تاریخ‌نگاران درباره حرمین شریفین بوده که به حق، یادگاری پربار از نویسنده آن است. رفعت پاشا برای آخرین بار در سال ۱۳۳۵ هجری قمری بقیع را زیارت کرده و مشاهدات خود را درباره بیت‌الاحزان چنین نقل می‌کند: «در بقیع گنبد دیگری نیز وجود دارد که «قبةالحزن» نامیده می‌شود و می‌گویند این گنبد در بالای همان محلی ساخته شده است که حضرت فاطمه(س) پس از رسول خدا(ص) بدان جا می‌آمده و حزن و اندوه خود را ابراز می‌نموده است. در بقیع گنبدهای زیادی بوده که وهابی‌ها آن‌ها از بین برده‌اند».

■ روایت فرانسیس بورتون از مأمن آخرین روزهای دختر پیامبر(ص)

سر ریچارد فرانسیس بورتون، جاسوس انگلیسی متولد مارس ۱۸۲۱ میلادی مطابق با سال ۱۲۳۶ هجری قمری و متوفی اکتبر ۱۸۹۰ میلادی مطابق با سال ۱۳۰۸ هجری قمری است. او که هفت سال در خدمت ارتش انگلستان در هند زندگی کرد زبان‌های هندی، پنجابی، فارسی، عربی و سندی را فرا گرفت. در سال ۱۸۴۹ میلادی مطابق با سال ۱۲۶۵هجری قمری به انگلستان بازگشت و از سوی انجمن جغرافیای پادشاهی انگلستان برای سفر به مکه مأموریت یافت. در طول تاریخ تعدادی از جهانگردان غربی در ظاهر مسلمانان و حجاج وارد مکه و مدینه شده و بیشتر آنان نیز که از نویسندگان بوده‌اند توانسته‌اند مشاهدات و برداشت‌های خود را به صورت کتاب و سفرنامه در اختیار دیگران قرار دهند. گرچه بعضی از این نوشته‌ها و برداشت‌ها توأم با مطالب خلاف واقع و نادرست و همراه با اغراض و تعصب است ولی در عین حال می‌توان مطالب و نکات ارزشمند و پربها نیز از آن‌ها بدست آورد. سر ریچارد بورتون سفرش را در سوم آوریل ۱۸۵۳ میلادی به صورت یک مسلمان افغانی به نام عبدالله آغاز کرده و پس از یک ماه اقامت در اسکندریه و یاد گرفتن خواندن نماز و قرآن رهسپار حجاز و سفر حج شد. او ابتدا به مدینه رفته و از اماکن مختلف آن دیدن کرد. سپس با کاروانی از حجاج به مکه سفر کرد. او تمام جزئیاتی را که می‌دید به صورت مخفیانه گزارش می‌کرد. بعد از پایان مراسم حج از طریق جده رهسپار سوئز شد و بعدها سفرنامه خود را در دو جلد بزرگ منتشر کرد.

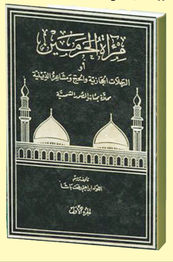

جهانگرد و جاسوس انگلیسی در سیاحت‌نامه خود از آثار و ابنیه اسلامی که از نزدیک مشاهده کرده از جمله بیت‌الاحزان یاد کرده و در وصف آن چنین گفته: «در بقیع مسجد کوچکی است که در سمت جنوبی گنبد عباس بن عبدالمطلب واقع شده و این مکان را بیت‌الاحزان نیز می‌نامند؛ زیرا فاطمه زهرا آخرین روزهای عمر خویش را در این محل به سر می‌برده و برای از دست دادن پدر عزیزش نوحه‌سرایی می‌کرده است».

همه امت اسلام و مسلمانان باید یک سؤال از خودشان بپرسند و جواب بدهند که چرا باید تنها دختر پیغمبر(ص) به جای اینکه بر حسب و عرف همه در خانه بنشینند و عزاداری و مصائبی را طی و در بقیع شروع به عزاداری کند.

با بی رغبتی به آنچه در دست مردم است با آنان دوستی بورز تا دوستی شان را بدست آوری.

نویسنده کتاب «بیت‌الاحزان؛ حقیقت انکارناپذیر» در گفت‌وگو با قدس مطرح کرد

حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام آغازگر گریه سیاسی

برش از عکس بقیع از دوره سلطان عبدالحمید دوم عثمانی، بیت‌الاحزان در انتهای سمت تصویر قابل رؤیت است

محسن فاطمی نژاد | در دوران معاصر، نخستین بار امام خمینی(ره) بود که اصطلاح «گریه سیاسی» را مطرح کرد. امام در سخنرانی خود در آستانه ماه محرم در آبان ۵۹، از تعبیر «ما ملت گریه سیاسی هستیم» استفاده و ماهیت گریه در نگاه اهل بیت(ع) را این‌گونه تبیین کرد: «بی‌خود نمی‌گویند ائمه ما به اینکه هر کس که بگرید، بگریاند یا صورت گریه، گریه کردن به خودش [بگرد] اجرش فلان فلان است. مسئله، مسئله گریه نیست، مسئله مسئله تباکی نیست. مسئله، مسئله سیاسی است».

فارغ از روایاتی که «بکاء» و گریه را سلاح مؤمن معرفی می‌کنند، وقتی برگ‌های کتاب قطور اسلام را ورق می‌زنیم به دورانی می‌رسیم که حضرت فاطمه زهرا(س) روزها دست حسنین(ع) را می‌گرفت و به مکانی بیرون مدینه و در قبرستان بقیع می‌برد که علی(ع) به صورت شبانه‌روز بنا کرده بود. فاطمه(س) آنجا تا غروب به عزاداری در ماتم و فراق رسول خدا(ص) می‌پرداخت و بر مظلومیت امیرالمؤمنین(س) گریه می‌کرد. مکانی که بعداً به «بیت‌الاحزان» مشهور شد. به بهانه سالروز شهادت حضرت زهرا(س) درباره ماجرای این مکان و ماهیت اشک‌های دختر پیغمبر(ص) در آن با حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی راستگو، نویسنده کتاب «بیت‌الاحزان؛ حقیقت انکارناپذیر» گفت‌وگو کرده‌ایم. این کتاب سال گذشته به همت انتشارات «کتابستان معرفت» منتشر شده بود.

■ انگیزه تألیف این کتاب از کجا آمد؟

این کتاب با محوریت ادله وجود بیت‌الاحزان و اثبات هویت تاریخی آن و نقد و بررسی برخی شبهات درباره آن که توسط برخی گویندگان و نویسندگان مطرح شده بود، تألیف شد. چند وقت پیش صوتی منتشر شد که در آن یکی از آقایان اشکال کرده بود «بیت‌الاحزان» سندیت تاریخی ندارد و ادعا کردند این قضیه را فقط علامه مجلسی گفته و کسی پیش از ایشان، بیت‌الاحزان را نقل نکرده و همانی هم که علامه فرموده از حیث سند و محتوا اشکال دارد. از دیگر شبهات مطرح شده این بود گریه‌های حضرت زهرا(س) یک نقل صحیح بیشتر ندارد و بقیه‌اش ساخته و پرداخته شده است. ما در این کتاب، به خاطر رعایت اصول علمی و ادب بحث، از بردن نام اشخاصی که این شبهات را مطرح کردند، چشم‌پوشی کردیم و تنها به نقد و بیان مطالب پرداختیم.

این شبهات علاوه بر فایل صوتی، در کتابشان هم مکتوب شده بود که سبب نگاشتن کتاب «بیت‌الاحزان؛ حقیقت انکارناپذیر» در رد این شبهات شد. با آغاز تحقیقات، مشاهده کردیم غیر از علامه مجلسی، ۱۴ نفر از افرادی که پیش از علامه بوده‌اند در مورد «بیت‌الاحزان» حرف زده‌اند. نکته مهمی که وجود دارد این است این افراد، نوعاً نیز شیعه نیستند و اهل سنت و جالب‌تر اینکه از مذاهب مختلف اهل سنت هستند. بنابراین نخست، فقط شیعه در مورد بیت‌الاحزان حرف نزده و دوم، کسانی که از اهل سنت صحبت کرده‌اند، از مذاهب مختلف هستند. این‌ها نشان می‌دهد بیت‌الاحزان نمی‌تواند ساخته و پرداخته شیعه باشد و بیش از ما به عنوان شیعه که داعیه‌دار بیت‌الاحزان هستیم، خود اهل سنت در مورد آن با سند حرف زده‌اند.

■ پیشینه بحث پیش از علامه مجلسی به چه زمانی برمی‌گردد و قدیمی‌ترین اسناد در این خصوص مربوط به چه زمانی است؟

پیشینه‌اش به قرن دوم برمی‌گردد؛ البته گزارش قرن دوم یک گزارش ملموس و از روی حس است. این ملموس بودن بسیار مهم است چرا که گاه کسی ندیده و صرفاً شنیده‌ها را بیان می‌کند اما «ابوزید عمر بن شبَّه نمیری بصری» که این گزارش قرن دوم توسط او به ما رسیده، هم بیت‌الاحزان را به همان صورت و شکل خیمه‌ای که بوده دیده است و هم گزارش می‌دهد دیگرانی که پیش از آن دیده‌اند، برای من بیان کرده‌اند. در واقع با سیره و روشی که پیش آورده‌ایم و آنچه ابوزید در خصوص روایت افراد نقد پیش از خود می‌گوید می‌توانیم این قضیه را به قرن اول برسانیم. این نکته بسیار مهم است.

■ شاید در بدت بسیاری این باشد که بحث در مورد بیت‌الاحزان، بحث فرعی است و اصلاً چه ضرورتی دارد به آن بپردازیم. ضرورت پرداختن به خود این مقوله چیست؟

اتفاقاً یکی از مسائلی که در این کتاب به آن پرداخته‌ایم، پاسخ به همین پرسش است. ضرورتش این است که اگر صحبت نشود، ممکن است مورد غفلت و فراموشی واقع شود و اگر اهمیت آن تبیین نشود، سبب می‌شود دچار ساده‌انگاری شویم. خب صدیقه طاهره(س) یک انسان عادی نیست، معصومی است که با همه فضائلی که از ایشان می‌دانیم، فعل و کنش او برای ما بسیار اهمیت دارد. کسی که آن همه شئون الهی دارد وقتی کاری انجام می‌دهد معلوم است کارش بسیار مهم است؛ اینکه ایشان در بقیع در مکانی شروع به عزاداری کنند که موسوم به بیت‌الاحزان شود. بنابراین صحبت نکردن ممکن است تخست سبب فراموشی، دوم ساده‌انگاری آن و در ادامه جرئت‌مند کردن غرض‌ورزان برای انکار اصل آن شود.

نکته بعدی این است همه امت اسلام و مسلمانان باید یک سؤال از خودشان بپرسند و جواب بدهند که چرا باید تنها دختر پیغمبر(ص) به جای اینکه بر حسب و عرف همه در خانه بنشینند و عزاداری کند تا دیگران ببینند و به ایشان تسلیت بگویند، باید از خانه خودش بیرون بیاید و مسافتی را طی و در بقیع شروع به عزاداری کند.

■ در نقل‌های تاریخی، همین عنوان «بیت‌الاحزان» برای این مکان آمده است؟ منظورم این است از همان زمان با همین نام شناخته می‌شده است؟

در تاریخ چند اسم برای این مکان گفته شده و همین نیز بعضی را به اشتباه می‌اندازد ولی وقتی نگاه می‌کنید، همه آدرس‌ها، یک نقطه و مشخصه یک مکان را نشان می‌دهند. با وجود این، اسم‌ها متفاوت است؛ «بیت‌الحزن»، «بیت‌الحزن»، «قبه‌الحزن» و «مسجد فاطمه(س)» از جمله این اسامی است. این عنوان مسجد هم به این خاطر است که حضرت زهرا(س) در آنجا صرفاً گریه و عزاداری نمی‌کردند، بلکه عبادت کرده و نماز می‌خواندند.

■ در واقع «وجدان درد» است...

احسنت، گریه‌های فاطمه زهرا(س)، سلاح صدیقه طاهره است. من این تعبیر را در این کتاب به کار بردم که ایشان «نهضت گریه و بکاء» را برای دفاع از ولایت امیرالمؤمنین(ع) راه انداخت تا وجدان مردم را بیدار کند. طبیعی است مردم وجدان درد می‌گرفتند و عده‌ای نیز از آن خواهند شد. جایی بالطبع با رحلت رسول خدا(ص) شهر شلوغ شده و آدم‌ها از نقاط مختلف، خودشان را به آنجا می‌رساندند و بعد برایشان سؤال می‌شد چرا دختر پیغمبر(ص) این‌قدر گریه می‌کند، ماجرا چیست؟ به همین دلیل می‌خواستند این گریه و عزاداری حضرت از صحنه شهر مدینه فرو بنشیند. صلاحیت طراح(س) را فهم ملکوتی که داشتند، از کنار قبر حمزه سیدالشهدا و شهدای احد گرفته تا بقیع و بیت‌الاحزان، از سلاح خود که گریه و اقامه عزا بود استفاده می‌کردند. پس از اینکه استنصار و بقیه مواردجواب نداد، حضرت این مسئله را رها نکردند.

■ سلاح بودن گریه و اشک مسئله‌ای است که در ادبیات امامین انقلاب نیز زیاد دیده می‌شود. تعبیر «گریه سیاسی» را متلاً در ادبیات حضرت امام خمینی(ره) می‌بینیم. ماهیت و کارکرد این گریه حضرت زهرا(س) نیز سیاسی است؟

من بیرّ این گریه‌ها را در صفحه ۳۷ کتاب آورده‌ام. البته عمده مطالبی که استفاده کرده‌ام از جواب مفصل سیدجعفر مرتضی عاملی به سیدمحمدحسین فضل‌الله در خصوص گریه‌های حضرت زهرا(س) است. ایشان مفصل بحث می‌کند واقعاً جایگاه این گریه‌ها چیست؟ آیا با صبوری منافات دارد یا خیر؟ بنابراین گریه‌های حضرت زهرا(س) از سر عجز و ناتوانی و زاری و جزع نبوده بلکه سلاح ایشان در راه دفاع از حقانیت امیرالمؤمنین علی(ع) و ولای مظلومیت اهل بیت(ع) بوده است.

■ پس ایشان را باید مبدع «گریه سیاسی» بدانیم؟

بله، به همین دلیل نیز می‌بینید برخی تلاش می‌کنند این سنخ از گریه وجود نداشته باشد و آن را حذف کنند. روی همین حساب مشاهده می‌کنید بعدها حتی بیت‌الاحزان را نیز تخریب می‌کنند.

براساس نقل‌های اولیه، نکته‌ای که برای خود من بسیار جالب بود، این است بیت‌الاحزان آن‌قدر مهم است که امام حسین(ع) همت داشته این مکان حفظ شود؛ حتی در تاریخ داریم ایشان خیمه‌ای در مکان بیت‌الاحزان زده بود. شکل مکان هم خودش سیر تطوری را طی کرده است. در دوره‌هایی داریم که خیمه بوده، نقل‌های متأخر می‌گویند درختی بوده که بعداً قطع و پس از آن ساختمان و مسجد شده است. می‌بینیم در طول تاریخ یک سیر تحولی را طی کرده و در دوره امام حسین(ع) به شکل خیمه بوده و داریم امام حتی خانمی را مأمور کرده بودند در این خیمه بنشیند. این یعنی امام حسین(ع) اهتمام داشتند بیت‌الاحزان از بین نرود. چرا؟ به خاطر همان گریه‌های سیاسی.

ممکن است با گذشت زمان خود گریه سیاسی تمام شود اما اینکه مردم بیایند و ببینند یک جایی بوده که حضرت می‌رفته و در آنجا گریه می‌کرده موجب می‌شود خود آن حزن بماند. به همین دلیل حضرت زنی را مأمور کرده بود در خیمه بنشیند که همین هم برخی مورخان را به اشتباه انداخته که فکر کنند قبر کار امام حسین(ع) این نیست. حضرت کسی را مأمور کرده بودند دائم آنجا بنشیند تا این خیمه، متروک و بیت‌الاحزان فراموش نشود. حضرت این را حفظ کردند تا کسی نتواند آن را انکار کند.

■ دیدم روایت سفرنامه‌نویسان درباره این مکان نیز در کتاب آمده، در این باره توضیح دهید.

غیر از پاسخ به شبهاتی که ذیل روایت علامه مجلسی در خصوص بیت‌الاحزان بود و اشاره به نقل‌های تاریخی ۱۴ نفر پیش از علامه مجلسی شده بود، من به سفرنامه‌هایی که پس از علامه مجلسی داشتیم، مراجعه کردم. چون روایت این سفرنامه‌ها متأخر بود، طبیعی است نمی‌تواند برای اثبات هویت تاریخی بیت‌الاحزان مورد استناد باشد اما حسن بزرگش این است سیره مستمره را می‌رساند که اینجا همیشه وجود داشته است.

حسن دیگر این است همه دارند در این قرون یک نقطه را نشان می‌دهند و برای اینکه فضای زیارت را نشان می‌دهد. خواندن و درک حال و هوای آن فضای زیارتی جذابیت‌های مراجعه به این سفرنامه‌ها بود، مثلاً برخی نوشته بودند شیعیان بیشترین روضه و گریه را در بیت‌الاحزان داشتند. توصیف آن مکان از ضریح و صندوقچه و پرده و دیگر ویژگی‌های ظاهری هم با طبیع شیرینی خودش را دارد، چه بسا ان‌شاءالله بتوان آن را دوباره بازسازی کرد.

یادداشت

از تحریف تا تخریب؛ بلایی که وهابیت بر سر «بیت‌الاحزان» آورد

حجت‌الاسلام مصطفی راستگو | بنا بر گزارش‌های منابع تاریخی و سفرنامه‌ها، بنای بیت‌الاحزان در قبرستان بقیع مدینه و در قسمت جنوبی قبر عباس بن عبدالمطلب و مجاورت بقعه ائمه بقیع قرار داشته است. بنابر مضمون روایات، بیت‌الاحزان مکانی در داخل بقیع بوده و همه مورخان بدون استثنا بر همین معنا تصریح کرده و در ترسیم موقعیت مکانی‌اش گفته‌اند: در سمت جنوبی و در مجاورت حرم ائمه بقیع(ع) قرار داشته است؛ بنابراین، محلی که در سال‌های اخیر در خارج بقیع به نام بیت‌الاحزان معروف شده، با واقعیات تطبیق ندارد و منابع حدیثی و تاریخی آن را تأیید نمی‌کنند. بسیاری از کسانی که پیش از تخریب، بنای بیت‌الاحزان را زیارت کرده‌اند برخی ویژگی‌های آن را چنین بیان کرده‌اند: بیت‌الأحزان در ابتدا درختی بوده که حضرت زهرا(س) در مجاورت آن می‌نشستند و در فراق رسول خدا(ص) و مظلومیت امیرالمؤمنین(ع) عزاداری می‌کردند. وقتی آن درخت به خاطر تنگ‌نظری‌ها قطع شد، بیت‌الاحزان صورتی از جدار و خیمه به خود گرفت. بعدها بنایی در همان محل به صورت یک خانه و اتاق ساخته شد. در گذر زمان در همان محل، مسجدی با گنبدی کوچک ایجاد شد و ضریح سبز رنگ کوچکی از جنس چوب در آن قرار گرفت.

اما سرنوشت بیت‌الاحزان چه شد؟ بیت‌الاحزان تاریخ پر فراز و نشیبی را طی اعصار و قرون متمادی گذرانده تا به قرن سیزدهم هجری قمری رسیده است؛ قرنی که امت اسلام دچار بلای افراطیون وهابی و آتش جهل آن‌ها دامنگیر مسلمین شد. وهابی‌ها همچون سپاه ابرهه بر امت اسلام تاختند و شروع به قتل و غارت مسلمانان و نابودی بناهای تاریخی اسلام و هویت مسلمین کردند. در جهل این جماعت افراطی که از اسلام چیزی جز حلق و تقصیر نفهمیده‌اند، همین بس که برخلاف همه مردم دنیا که به بناهای تاریخی و باستانی را ارج می‌نهند و آن‌ها را نمادی از قدمت، تاریخ، فرهنگ و تمدن خویش می‌دانند و به آن فخر می‌فروشند و بنایی را در حفظ و حراست از آن‌ها به کار می‌گیرند؛ این افراد تمام همت خود را صرف نابودی میراث اسلامی کردند. این سبک‌مغزها به بهانه شرک‌آلود بودن این بناها شروع به تکفیر فرقه‌های مسلمین کرده و به نابودی بناهای تاریخی و اماکن مقدسی که در طول ۴۷ قرن محل زیارت مسلمین بوده اصرار ورزیدند و با کج‌فهمی افراطیون دست‌پرورده استعمار، بسیاری از میراث تمدن غنی مسلمین با خاک یکسان شد و امروز دیگر اثری از آن‌ها نیست .

در سال ۱۲۲۱ هجری قمری وهابی‌ها پس از اشغال مکه، به سرکردگی عبدالعزیز بن سعود به مدینه رو آوردند و پس از محاصره و جنگ با مدافعان شهر، سرانجام آن را اشغال و مأموران عثمانی را بیرون کرده و به تخریب بقاع متبرکه در بقیع از جمله قبور ائمه بقیع و سایر قبور و بیت‌الاحزان پرداختند. ضریح فولادی ائمه بقیع را که در اصفهان ساخته شده بود و روی مرقد حضرات معصومین امام مجتبی(ع)، امام سجاد(ع)، امام باقر(ع) و امام صادق(ع) قرار داشت از جا در آورده و هر چیز با ارزش و زینتی را که در اماکن وجود داشت غارت کردند. پس از این جنایت بزرگ تاریخی، برخی از بقاع متبرکه موجود در بقیع از جمله گنبد بیت‌الاحزان به همراه گنبد زوجات الرسول(ص) و برخی بناهای دیگر در سال ۱۳۴۴ هجری قمری به دستور سلطان محمود ثانی بازسازی شد.

گویا افراطی‌گری تکفیر و تخریب، با گوشت و پوست وهابیت آمیخته بود و پایانی نداشت به همین علت بار دیگر وهابی‌ها در صفر سال ۱۳۴۴ هجری قمری به مدینه حمله کردند و در این حمله خسارت‌هایی به حرم نبوی و اماکن مذهبی وارد شد.

هفت ماه بعد در رمضان سال ۱۳۴۴

من عرف الله احبه و من عرف الدنیا زهد فیها

فرمود: هرکس خدا را بشناسد، او را دوست دارد و کسی که دنیا را بشناسد آن را رها خواهد کرد.

خبر امروز

رهایی به برکت نام امام رضا علیه‌السلام

به همت بنیاد کرامت رضوی ۴۲ زندانی جرایم غیرعمد در استان فارس به آغوش خانواده بازگشتند.
مدیر عامل بنیاد کرامت رضوی در گفت‌وگو با خبرنگار آستان‌نیوز با اعلام این خبر گفت: این اقدام خداپسندانه در پی تأکیدات تولیت آستان قدس رضوی در قالب پویش نذر امام(ع) برای آزادی زندانیان معسر انجام شد و ۴۲ زندانی زن و مرد در استان فارس با مشارکت آستان قدس رضوی، خیران و ستاد دیه کشور به کانون گرم خانواده بازگشتند.
محمدحسین استادآقا مجموع مبلغ بدهی این افراد را بیش از ۴۲ میلیارد و ۱۱۰ میلیون تومان اعلام کرد و افزود: از ابتدای راه‌اندازی پویش نذر امام(ع) تاکنون، تعداد ۳۹۵ زندانی شامل ۱۶۱ مادر و ۲۳۴ پدر از ۲۲ استان کشور آزاد شدند که مبلغ کل بدهی آن‌ها افزون بر ۱۵۰ میلیارد و ۴۵۸ میلیون تومان بوده است.
وی تصریح کرد: ۲۰ میلیارد تومان از این مبلغ توسط آستان قدس رضوی، ۵/۲۷ میلیارد تومان توسط ستاد دیه کشور و مبلغ ۸۱ میلیارد تومان دیگر نیز بخشش شاکیان بوده که آن‌ها با حضور خادمان و خادمیاران رضوی از شکایت صرف نظر کرده و مبلغ را به نام امام رضا(ع) بخشیده‌اند.

پژوهش

دانشجویان مخترع

دانشجویان مخترع دانشگاه بین‌المللی امام رضا(ع) با دستاوردها و اختراعاتشان در نمایشگاه هفته پژوهش استان خراسان رضوی حضور دارند و حدود ۲۰ اختراع از آن‌ها در زمینه‌های مختلف به نمایش گذاشته شده است. دو اختراع در زمینه مهندسی پزشکی از امین عظیم‌خانی، وحید ساعت‌چیان و مصطفی مرجان به همراه دستگاه قابل اندازه‌گیری تعادل پویا با مکانیسم لمس پای ورزشکار، اختراع وحید ساعت‌چیان، شعله خداداد کاشی و مجید خداوردی در غرفه دانشگاه امام رضا(ع) از جمله این دستاوردهاست. همچنین سیستم ردیاب خورشیدی از دیگر طرح‌های به نمایش درآمده در نمایشگاه هفته پژوهش استان خراسان رضوی است که در زمینه صرفه‌جویی انرژی خورشیدی و ردیابی آن تمرکز دارد و اختراعی از دانشجویان این دانشگاه است.

تولیت آستان قدس رضوی در جلسه هیئت امنای دانشگاه علوم اسلامی رضوی به مناسبت روز دانشجو:

پیشرفت‌های علمی و دانش سیاسی جامعه دانشگاهی، دشمن را خشمگین کرده است

عکس رضوی

تولیت آستان قدس رضوی گفت: مجاهدت دانشگاهیان و دانشجویان در راه کسب علم و دستیابی آنان به فناوری‌های پیشرفته و نوین در کنار معرفت و دانش سیاسی، دشمنان را خشمگین کرده است؛ بنابراین از هیچ توطئه و دسیسه‌ای علیه این قشر فرهیخته فروگذار نیست.
به گزارش آستان نیوز، حجت الاسلام والمسلمین احمد مروی در جلسه هیئت امنای دانشگاه علوم اسلامی رضوی که دیروز ۱۶ آذرماه در حرم مطهر امام رضا(ع) برگزار شد، ضمن گرامیداشت و تبریک روز دانشجو، از خداوند متعال برای دانشجویان ایران اسلامی در عرصه‌های علمی، پژوهشی و استکبارستیزی توفیق مسئلت و اظهار کرد: ۱۶ آذر، روز دانشجو به جهت خروش استکبارستیزانه دانشجویان مسلمان، انقلابی و متعهد در برابر ظلم ستمشاهی و مخالفت با حضور معاون رئیس‌جمهور آمریکا در دانشگاه نام‌گذاری شده است؛ که این امر اوج معرفت، بصیرت و آزادی‌خواهی دانشجویان را در آن عصر و دوران به نمایش می‌گذارد.

■ **دشمن‌شناسی و فهم درست شرایط**

وی با بیان اینکه در ۱۶ آذر ۱۳۳۲ سه جوان دانشجو جان خود را در راه آرمان‌های مقدس انقلابی و مبارزه با استکبار نثار کردند، ابراز کرد: تعهد، بصیرت و احساس مسئولیت همواره در میان دانشگاهیان و دانشجویان ایرانی ظهور و بروز داشته است؛ ماجرای تسخیر لانه جاسوسی آمریکا به‌دست دانشجویان یکی دیگر از رویدادهای تاریخی است که از تفکر انقلابی، استقلال طلبی و استکبارستیزی دانشگاهیان و دانشجویان ایرانی حکایت دارد.
تولیت آستان قدس رضوی تصریح کرد: دانشجویان با دشمن‌شناسی و فهم درست شرایط و شناخت صحیح حق از باطل در عرصه‌های مختلف که ضرورت و تکلیف اقتضا می‌کرده، حضور یافته و با نقش آفرینی مؤثر از انقلاب و مبانی انقلاب دفاع کرده‌اند.
در دوران جنگ تحمیلی، دانشجویان و دانشگاهیان متعهد یکی از اقشار پیشرو در دفاع از کشور و نظام اسلامی بودند و در جایگاه‌های مختلفی از فرماندهی و سربازی و بسیجی تا در سنگرهای مهندسی و ساخت تجهیزات و امکانات مورد نیاز حضوری فعال داشتند.
وی در ادامه با گرامیداشت یاد و خاطره شهدای جامعه دانشگاهی کشور، ابراز کرد: سرمایه‌های عمیق معرفتی بسیاری در دانشگاه‌های کشور وجود دارد و جامعه دانشگاهی همواره با شناخت، معرفت، بصیرت، تشخیص درست حق از باطل، اعلام مواضع صحیح و شناخت نقشه‌های تفرقه‌افکنانه استکبار راه نهضت ضداستکباری و ضدسلطه‌گری دانشجویان خلق کننده ۱۶ آذر را ادامه داده‌اند.

■ **دانشجویان، امیدهای آینده کشور**

حجت‌الاسلام والمسلمین مروی ضمن اشاره به دستاوردهای علمی و فناوری کشور که در سایه تلاش جامعه دانشگاهی حاصل شده، ابراز کرد: مجاهدت دانشگاهیان و دانشجویان در راه کسب علم و دانش و دستیابی آنان به فناوری‌های پیشرفته و نوین در کنار معرفت و دانش سیاسی، دشمنان را خشمگین کرده است؛ به طوری که نمی‌توانند بپذیرند این قشر فرهیخته هم در حوزه پیشرفت‌های علمی و فناوری و هم در عرصه دفاع از انقلاب، اسلام و ارزش‌های الهی موفق هستند، درنتیجه از هیچ تلاشی برای اختلاف و تفرقه‌افکنی فروگذاری نمی‌کنند.
تولیت آستان قدس رضوی، دانشجویان را امیدهای آینده کشور دانست و اظهار کرد: از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، دانشجویان و اساتید دانشگاه با هوشیاری، هوشمندی، بصیرت و دشمن شناسی دسیسه‌های دشمن را نقش بر آب و همواره از نظام اسلامی، انقلاب و رهبری معظم دفاع کرده‌اند و امروز نیز دانشگاهیان هوشیار و بیدار ما متوجه نقشه‌های شوم دشمنان هستند و در خط مستقیم انقلاب و رهبری معظم حرکت می‌کنند و به چرخه علم، دانش و فناوری و استقلال و سربلندی کشور سرعت می‌بخشند.

آگهی مزایده اتومبیل
آگهی مزایده اموال منقول (خودرو) شماره بایگانی ۱۴۰۱۰۰۱۴۵

خانم سعیده غلامی فرزند احمد شماره ملی ۰۹۴۱۷۲۲۹۰۲ به استناد سند ازدواج شماره ۴۴۲۲۵ مورخ ۱۳۸۲/۰۸/۰۴ اجرائیه‌ای تحت کلاسه ۱۳۸۰۱۰۴۰۰۶۰۹۲۰۰۰۵۸۳ (شماره بایگانی ۱۴۰۱۰۰۱۴۵) در قبال تعداد ۱۱۴ عدد سکه تمام بهار آزادی علیه داوود خسروی فرزند اسماعیل شماره ملی ۶۴۳۹۵۶۳۸۱۵ صادر نمود که پس از ابلاغ اجرائیه در مورخه ۱۴۰۱/۰۱/۳۱ و طی مراحل قانونی مقرر در آیین‌نامه اجرای مفاد رسمی لازم‌الاجرا که حسب تقاضای بستانکار مبنی بر توقیف و ارزیابی و مزایده یک دستگاه اتومبیل سواری تیبا ۲ شماره موتور M ۱۵۸۵۴۴۵۷۳ شماره شاسی NAS ۱۱۴۰۶۲۸ J ۸۲۱۱۰۰ مدل ۱۳۹۷ رنگ سفید برابر گزارش کارشناس مقداری سپر جلوی راست و چپ ضرب خوردگی دارد و بقیه قسمتها سالم و بدون رنگ است. لاستیک جلو ۷۰ درصد و عقب ۷۵ درصد و وضعیت عمومی خودرو خوب است. جک و آچار چرخ و زاپاس و بیمه دارد و فاقد ضرب خوردگی بدنه است.
لذا برابر گزارش کارشناس رسمی قیمت پایه خودرو مبلغ ۱/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (یکصد و پنجاه میلیون تومان) ارزیابی گردیده است در روز سه‌شنبه ۱۴۰۱/۰۹/۲۹ از ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر در محل طرقبه- جنب پمپ بنزین- پارکینگ بینالود شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار می‌گردد. حقوق دولتی به مبلغ ۷۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال و حق مزایده به مبلغ ۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال طبق مقررات وصول خواهد شد. سایر هزینه‌های قانونی متعلقه و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد بر عهده برنده مزایده میباشد. م.الف ۶۲۵ آ- ۴۰۱۱۲۰۴۵
تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۹/۱۷
رئیس ثبت اسناد و املاک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی

آگهی دعوت از مالکین مجاورین

احتراماً نظر باینکه خانم بی‌بی منصوره قادری شهری بموجب شیوه‌نامه صدور اسناد تک برگی، تقاضای صدور سند مالکیت از این اداره را نموده است و سند مالکیت صادره قبلی به شماره پلاک ۵۶۷- فرعی از ۵- اصلی واقع در بخش ۶ مشهد اراضی رودخانه بار بدون طول ابعاد و مساحت می‌باشد و مورد تقاضا، حدی از آن به مجاورت شما معرفی شده لذا نماینده و نقشه‌بردار برای روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۱۳ جهت تعیین طول و متراژ حسب ماده ۶۸ و ۷۰ آئین‌نامه قانون در محل حاضر چنانچه در مورد حدود و حقوق ارتفاقی ملک حقی برای خود قائل هستید و یا اختلافی با مجاور مزبور دارید می‌توانید در روز مقرر در محل حضور بهم رسانید در غیر این صورت بعد از گذشت یک هفته برابر مقررات سند مالکیت بنام متقاضی پس از سیر تشریفات قانونی صادر و تسلیم خواهد شد. م.الف ۶۲۴آ- ۴۰۱۱۲۰۵۴
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی
از طرف احمد احمدی

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای محمد جواد خزاعی و به استناد دو برگه استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی ششدانگ اعیان یک باب منزل پلاک ثبتی ۲۰۵۸ فرعی از ۲۰ اصلی واقع در بخش ۹ ناحیه حوزه ثبت ملک مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است و با بررسی دفتر املاک معلوم شد ششدانگ اعیان یک باب منزل پلاک ثبتی ۲۰۵۸ فرعی از ۲۰ اصلی واقع در بخش ۹ ناحیه حوزه ثبت ملک مشهد به ذیل دفتر املاک ۷۹۹ و شماره صفحه ۴۱۳ و شماره ثبت ۱۵۹۸۷۸ و سند شماره چاپی ۴۴۲۸۲۰ به نام محمدجواد خزاعی صادر گردیده است.. و رهنی شماره ۲۳۹۶۹۴ مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۲۳ شرکت تعاونی تهیه و توزیع لوازم تاکسی کرایه سواری مشهد، دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد و این بخشنامه به استناد تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰- آئین‌نامه قانون ثبت املاک صادر گردید. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. لذا مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۶۲۳ آ- ۴۰۱۱۲۰۷۶
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد- علی فضلی
از طرف رستم عبدالهی

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای مسعود معمارزاده طهرانی به شماره ملی ۰۹۳۸۶۲۹۷۱۹ باستناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت هفت سهم مشاع از هشت سهم ششدانگ اعیان یک باب خانه به استثناء سرقفلی یک باب مغازه مستحدثهازز پلاک مذکور که به موجب سند صلح شماره ۱۷۲۶۵۲ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۱۹ دفترخانه ۲۰ مشهد به آقای علی اکبر معمارزاده صلح سرقفلی گردیده است. به شماره پلاک ۱۲۴۲۰ فرعی از ۲۳۲ اصلی بخش ۹ مشهد که متعلق به نامبرده میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل شماره دفتر املاک ۳۵۲ و صفحه ۴۴۵ ذیل شماره ۶۵۹۵۶ بنام مسعود معمارزاده طهرانی ثبت و سند کاداستری به شماره چاپی ۲۹۳۷۹ سری الف ۸۹ صادر گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. و این بخشنامه به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت املاک صادر گردید. لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۶۲۲ آ- ۴۰۱۱۲۰۷۷
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک مشهد مقدس- علی فضلی
از طرف رستم عبدالهی

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای حسام‌الدین کهربایی برابرنامه شماره ۱۴۰۰/۹۸۲۳۸۰ مورخ ۱۴۰۰/۱۰/۳۰ بنمایندگی از طرف اداره اوقاف و امور خیریه ناحیه یک مشهد باستناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت ششدانگ یک باب خانه وقفی به شماره پلاک ۱۰۶۷ اصلی بخش یک مشهد که متعلق به موقوفه علی اکبر عبیدی میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد مالکیت نامبرده در ذیل شماره پلاک ۴۵۴ بنام بانو تاج عبیدی ثبت و سند صادر گردیده؛ سپس برابر سند قطعی ۲۷۰۹۵ مورخ ۱۳۲۳/۱۲/۱۳ دفتر ۹ مشهد بنام علی اکبر عبیدی منتقل و برابر سند وقفنامه شماره ۱۵۰۳۱ مورخ ۱۳۳۶/۰۶/۲۶ دفتر ۱۴ مشهد وقف گردیده است. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد.
لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۶۲۱ آ- ۴۰۱۱۲۱۱۱
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس- علی فضلی

«آگهی فقدان سند مالکیت»

نظر به اینکه آقای حسام‌الدین کهربائی برابر معرفی‌نامه شماره ۱۴۰۰/۱۰۰۸۸۶۹ مورخ ۱۴۰۰/۱۱/۷ بعنوان نماینده اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان مشهد باستناد ۲ برگ فرم استشهادیه منضم به فرم تعهد جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه نموده و مدعی است سند مالکیت شش دانگ عرصه و اعیان پلاک ۱۸۲۱ اصلی بخش یک مشهد که متعلق به موقوفه غلامعلی وحدتی بتصدی اداره اوقاف ناحیه یک مشهد میباشد به علت سهل‌انگاری مفقود گردیده است. با بررسی دفتر املاک، معلوم شد؛ شش دانگ مالکیت نامبرده در ذیل شماره دفتر املاک الکترونیک شماره ۱۳۹۸۲۰۳۰۶۰۰۳۰۲۰۲۹۳ موقوفه غلامعلی وحدتی بتصدی اداره اوقاف ناحیه یک مشهد ثبت و سند مالکیت دفترچه‌ای به شماره چاپی ۷۹۹۷۱۴ سری ب سال ۹۸ صادر گردیده است. ضمناً تمامت مورد ثبت برابر سند شماره ۵۶۶۷ مورخ ۱۳۴۴/۱۲/۱۹ دفترخانه ۵۹ مشهد در اجاره سیدجلال وفا میباشد. دفتر املاک بیش از این حکایتی ندارد. و این بخشنامه به استناد ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت املاک صادر گردید.
لذا به استناد ماده ۱۲۰ اصلاحی قانون ثبت، مراتب یک نوبت آگهی و متذکر میگردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله‌ای انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود میباشد، بایستی ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله رسمی به این اداره تسلیم نماید. بدیهی است در صورت عدم وصول اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی، نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد. م.الف ۶۲۰آ- ۴۰۱۱۲۱۱۲
مدیر اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه یک مشهد مقدس- علی فضلی

آگهی ابلاغ رأی عدم افراز

شماره: ۱۴۰۱/۲۸۶۲۴ تاریخ: ۱۴۰۱/۰۹/۰۶
در خصوص درخواست آقای مهدی ظریف آهنگران و ریحانه ظریف آهنگران مبنی بر افراز سهم مشاعی خود از پلاک ثبتی ۴۶۲- فرعی مفروز و مجزا شده از ۲۷- اصلی واقع در بخش ۶ مشهد پس از رسیدگی و تطبیق درخواست با مقررات قانونی و مطابقت آن با وضعیت و سوابق ثبتی و عدم موافقت بنیاد مسکن انقلاب اسلامی طرقبه شاندیز لذا وفق ماده ۵ آئین‌نامه افراز و فروش املاک مشاع تصمیم بر رد درخواست افراز نامبرده صادر می‌گردد. و این تصمیم به استناد ماده ۲ قانون افراز و فروش املاک مشاع از تاریخ ابلاغ به مدت ده روز قابل اعتراض در دادگاه صالحه میباشد. م.الف ۶۱۹ آ- ۴۰۱۱۲۱۱۳
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رأی شماره ۱۴۰۱۰۰۰۰۴ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۲ هیئت اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم مهلا قاینی فرزند رجبعلی در ششدانگ یک باب منزل به مساحت ۲۴۲/۵۳ مترمربع از پلاک شماره ۲۳۷۰ فرعی از ۱- اصلی واقع در اراضی علی‌آباد بخش یک حوزه ثبت ملک گناباد خریداری شده مع‌الواسطه از آقای اکبر شهراد مالک رسمی محرز گردیده است، لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی/ کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رأی هیئت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اشخاص ذینفع یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکنند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ- ۴۰۱۱۲۱۵۴
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۳
رئیس ثبت اسناد و املاک گناباد- سیدضیاالدین مهدوی شهری

آگهی اصلاحی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

پیرو آگهی منتشره قبلی هیئت اجرائی ماده ۱۴۷ اصلاحی قانون ثبت به شماره ۹۰۱۴ مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ در روزنامه رسالت، برابر رأی اصلاحی شماره ۱۶۰۸ مورخ ۱۴۰۱/۰۶/۱۵ هیئت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی شهرداری گناباد در ششدانگ یک باب ساختمان و محوطه متصول به مساحت ۸۳۱/۸۴ مترمربع قسمتی از پلاک شماره ۷۰۷ فرعی از ۱۱۷- اصلی واقع در اراضی خشوئی بخش یک حوزه ثبت ملک گناباد محرز گردیده و از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی بوده که در رأی صادره قبلی هیئت مذکور و آگهی منتشره قبلی اشتباهاً از محل مالکیت ورثه حسین شرقی و غیره درج گردیده است که بدین وسیله به شرح فوق اصلاح می‌گردد.
لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی/ کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رأی هیئت الصاق تا در صورتی که اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ- ۴۰۱۱۲۱۵۷
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۳
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گناباد- سیدضیاالدین مهدوی شهری

آگهی تحدید حدود اختصاصی

چون تحدید حدود ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی پلاک ۱۸/۱۸- اصلی بخش ۶ مشهد مبنی بر درخواست متقاضی ثبت آقای محمدباقر باغبانی و با رعایت مواد ۱۴ و ۱۵ قانون ثبت عملیات تحدید حدود آن در ساعت ۹ صبح روز دوشنبه مورخه ۱۴۰۱/۱۰/۱۲ در محل شروع و به عمل خواهد آمد لذا بدین وسیله با انتشار این آگهی از متقاضی و صاحبان املاک مجاور دعوت می‌شود تا در روز و ساعت مقرر فوق در محل حضور به هم رسانند و هر ادعایی نسبت به حدود مرقوم یا حقوق ارتفاقی آن دارند به نماینده محدد اظهار و ابراز دارند و چنانچه کسانی به علت عدم حضور در محل نسبت به عملیات تحدید حدود اعتراض داشته باشند می‌توانند طبق ماده ۲۰ قانون ثبت از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدیدی تا ۳۰ روز دادخواست خود را به مراجع ذیصلاح قضائی ارائه و گواهی آن را به این اداره تسلیم نمایند. م.الف ۶۱۴ آ- ۴۰۱۱۲۱۸۹
تاریخ انتشار پنج‌شنبه: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷
مدیر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک طرقبه شاندیز- حسن ابوترابی

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد ذمه)

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد ذمه) کلاسه اجرائی ۱۴۰۱۰۰۰۰۴
به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۴۰۱۰۰۰۰۴ له شیرین جعفری روزبهانی فرزند حسن به ش‌ش ۲۴ و شماره ملی ۵۵۷۹۷۲۴۶۲۴ با وکالت مریم ملک‌زاده علیه ابوالقاسم نقی‌زاده فرزند اللهوردی به ش‌ش ۴۴۴۴ و کدملی ۰۷۵۹۲۶۹۱۲۲، ششدانگ یک قطعه زمین به شماره پلاک ۱۳۵۹ فرعی از ۱۳۷ اصلی بخش ۷ بجنورد به مساحت (۲۰۰) دویست مترمربع به شماره ثبت ۹۲۸۰ در صفحه ۱۱۴ دفتر ۵۸ دارای سند مالکیت اصلی با شماره چاپی ۰۴۷۴۱۶۶ سری الف/۱۶ سال ۸۸ بنام ابوالقاسم نقی‌زاده فرزند اللهوردی به ش‌ش ۴۴۴۴ و کدملی ۰۷۵۹۲۶۹۱۲۲ ثبت و صادر گردیده است. محدود به حدود:
شمالاً: بطول ۱۰ متر به دیوار متصرفی اسماعیل صالحی باقیمانده ۱۳۷.
شرقاً: بطول ۲۰ متر به دیوار متصرفی عقیل قاسم‌زاده باقیمانده ۱۳۷.
جنوباً: بطول ۱۰ متر درب و دیواریست به خیابان.
غرباً: بطول ۲۰ متر درب و دیواریست به خیابان.
حقوق ارتفاقی ندارد.
پلاک مذکور در قبال مهریه بستانکار باستناد مهریه مندرج در سند ازدواج ۹۹۵۳- ۹۹/۴/۱۲ دفترخانه ازدواج ۴۰۲ تهران که برابر نیابت اجرائی شماره ۱۴۰۰۰۵۸۰۱۰۱۵۰۲۲۲۳۷- ۱۴۰۰/۱۲/۲۵ اجرای پنجم تهران (تعداد ۳۱۳ سکه تمام بهار آزادی) به این اداره نیابت اجرائی اعطا گردیده است و برابر اتحادیه صنف طلا و جواهری تهران هر سکه به مبلغ ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محاسبه و ۳۱۳ سکه به مبلغ ۴۶/۹۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال محاسبه و تعیین گردیده باضمام سایر هزینه‌های قانونی بازداشت گردیده و طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ یک میلیارد و ششصد میلیون ریال (۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) ارزیابی و با مشخصات اجمالی ذیل می‌باشد. آدرس ملک درق- خیابان شهید بهشتی- بهشتی ۱۲ می‌باشد. طبق اظهار اهالی محل با توجه به تغییر خیابان حدودات ملک موجود با سند منطبق نمی‌باشد و ملک در حال حاضر در تصرف علی علی‌پور فرزند محمدرضا می‌باشد و بصورت زمین خالی می‌باشد. ششدانگ پلاک مذکور از ساعت ۹ الی ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۱۰/۵ در اداره ثبت اسناد و املاک جاجرم واقع در جاجرم خیابان شهید باهنر نبش باهنر ۱۲ از طریق مزایده به فروش می‌رسد. مزایده از مبلغ یک میلیارد و ششصد میلیون ریال (۱/۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال) ارزیابی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می‌شود و مزایده حضوری است و شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد است و منوط به پرداخت ۱۰ (ده) درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده ثبت و تحت شناسه واریز اعلامی و حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است. لذا خریدار و یا خریداران می‌بایست تا قبل از شروع وقت مزایده اصل فیش واریزی مبلغ ودیعه ده درصد به نام خود را به همراه درخواست کتبی به واحد اجرا تسلیم و ثبت نمایند. ضمناً برنده مزایده مکلف است ما به التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند، مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید میگردد و هزینه‌های محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. آ- ۴۰۱۱۲۱۵۵
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۹/۱۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۱۰/۳
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک گناباد- سیدضیاالدین مهدوی شهری

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۲۰ و برابر رأی شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۳۰۰۱۴۲۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۸/۱۲ هیئت اول موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک گناباد تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی آقای مصطفی طالبی خیبری فرزند غلامحسین در ششدانگ یک باب ساختمان تجاری به مساحت ۱۴۸/۹۸ مترمربع از پلاک شماره ۷۳۵۷ فرعی از ۱- اصلی واقع در اراضی علی‌آباد بخش یک حوزه ثبت ملک گناباد از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی مالک رسمی محرز گردیده است، لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین‌نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزن